

Iran's Strategies Against the United States' Hybrid Warfare: Strategic Dimensions Analysis

Hossein Haji¹, Reza Simbar²

¹ PhD., Student, Department of Political Science and International Relations, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran. hhaji2121@gmail.com

² Professor, Department of Political Science and International Relations, University of Guilan, Guilan, Iran (**Corresponding author**). rezasimbar@hotmail.com

Abstract

The hybrid warfare of the United States, due to its diverse and complex dimensions and its increasing impact on the national security of the Islamic Republic of Iran, has compelled the country to develop counter-strategies that not only ensure its national security but also enhance its capabilities to optimally address these threats. In this regard, the present study aims to answer the question: what are Iran's strategies against the hybrid warfare of the United States? The research employs a descriptive-analytical method, utilizing documentary and library studies alongside questionnaires for data collection. The findings indicate that the Islamic Republic of Iran, in confronting hybrid threats, has adopted multi-dimensional strategies such as enhancing military deterrence capabilities, strengthening cyber capabilities, and establishing a network defense command structure, significantly improving its deterrence power. These achievements highlight a focus on technology-driven and security-oriented domains as the primary pillars of defense against hybrid warfare. However, analyses suggest that areas such as strengthening a resilient economy and managing cyberspace for countering psychological warfare have not been sufficiently utilized, requiring more strategic planning and coordination. Sustainable success in this field necessitates a comprehensive and integrated approach that, in addition to strengthening military and security infrastructures, also enhances the country's economic, media, and diplomatic capacities, fostering national cohesion and enabling an effective response to complex hybrid threats.

Keywords: Smart Power, Hybrid Warfare, United States, Islamic Republic of Iran, Military Capabilities.

راهبردهای ایران در برابر جنگ هیبریدی آمریکا: تحلیل و بررسی ابعاد استراتژیک

حسین حاجی^۱، رضا سیمبر^۲

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران. hhajiz121@gmail.com

^۲ استاد، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (نویسنده مسئول). rezasimbar@hotmail.com

چکیده

جنگ هیبریدی آمریکا به دلیل تنوع و پیچیدگی ابعاد و تأثیر فزاینده آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، این کشور را وادار به تدوین راهبردهای مقابله‌ای نموده است که نه تنها امنیت ملی خود را تأمین کند، بلکه ظرفیت‌های لازم برای مقابله بهینه با این تهدیدات را نیز فراهم آورد. در این راستا، پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، به موازات استفاده از ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات، به این پرسش پاسخ دهد که راهبردهای ایران در برابر جنگ هیبریدی آمریکا چه می‌باشد؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات هیبریدی، با تأکید بر راهبردهای چندبعدی نظیر توسعه توان بازدارندگی نظامی، تقویت توانمندی‌های سایبری، و ایجاد ساختار فرماندهی دفاع شبکه‌ای، توانسته است گام‌های مؤثری در افزایش قدرت بازدارندگی خود بردارد. این دستاوردها نشان‌دهنده تمرکز بر حوزه‌های فناوری‌محور و امنیت‌محور به‌عنوان ستون‌های اصلی دفاع در برابر جنگ‌های ترکیبی است. با این حال، تحلیل‌ها بیان‌گر آن است که در حوزه‌هایی همچون تقویت اقتصاد مقاومتی و مدیریت فضای مجازی، برای مقابله با جنگ روانی، بهره‌گیری کافی صورت نگرفته و این بخش‌ها نیازمند برنامه‌ریزی استراتژیک و هماهنگی بیشتر هستند. موفقیت پایدار در این زمینه، مستلزم رویکردی جامع و یکپارچه است که بتواند علاوه بر تقویت زیرساخت‌های نظامی و امنیتی، ظرفیت‌های اقتصادی، رسانه‌ای و دیپلماتیک کشور را نیز بهبود بخشد و ضمن ارتقای انسجام ملی، زمینه پاسخ‌گویی به تهدیدات پیچیده هیبریدی را فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: قدرت هوشمند، جنگ هیبریدی، ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران، توانایی نظامی.

پژوهش حاضر مستخرج از: رساله دکتری حسین حاجی با عنوان «تأثیر استراتژی‌های نوین ترکیبی آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۶-۲۰۲۲)» ارائه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی کیش می‌باشد.

استاد به این مقاله: حاجی، حسین؛ سیمبر، رضا (۱۴۰۳). راهبردهای ایران در برابر جنگ هیبریدی آمریکا: تحلیل و بررسی ابعاد استراتژیک. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۱(۴)، ص ۵۵-۷۴.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

در دنیای امروز، جنگ‌های کلاسیک به‌ویژه در عرصه‌های بین‌المللی کمتر مشاهده می‌شوند و تهدیدات نوین در قالب جنگ‌های هیبریدی با پیچیدگی‌های خاص خود، بیشتر بر ذهنیت استراتژیست‌ها و تحلیل‌گران سیاسی سایه افکنده است. جنگ هیبریدی به‌طور خاص اشاره به یک شیوه منازعه دارد که در آن، دشمن از ترکیب همزمان و هم‌افزای ابزارهای مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی، اطلاعاتی و اجتماعی برای تحقق اهداف خود بهره می‌برد. این نوع جنگ، نه تنها از سطح نظامی، بلکه از دایره‌های غیرنظامی و غیرمستقیم مانند جنگ اطلاعاتی، تحریم‌های اقتصادی، فشارهای دیپلماتیک، جنگ روانی و رسانه‌ای و حتی تحرکات سیاسی درون‌کشوری بهره می‌برد. جنگ هیبریدی، چالشی است که برای کشورهایی مانند ایران که به‌طور خاص در معرض تهدیدات ایالات متحده آمریکا و متحدان آن قرار دارند، اهمیت ویژه‌ای دارد. آمریکا، به‌عنوان یک قدرت جهانی با قابلیت‌های فناوری پیشرفته، تجربیات گسترده‌ای در طراحی و اعمال چنین جنگ‌هایی در سطح جهانی دارد و ایران به‌عنوان یک کشور با هویت مستقل و استراتژی خاص خود در منطقه، هدفی مستمر برای چنین جنگ‌هایی بوده است. تهدیدات هیبریدی که از سوی آمریکا علیه ایران اعمال می‌شود، به دلیل تنوع و پیچیدگی ابعاد آن، یک چالش جدی در عرصه سیاست خارجی و امنیت ملی ایران محسوب می‌شود. این وضعیت، ایران را وادار می‌کند تا به‌طور جامع و منسجم به تدوین راهبردهای مقابله‌ای بپردازد که نه تنها امنیت ملی کشور را تأمین کند؛ بلکه ظرفیت‌های لازم برای مقابله با تهدیدات بلندمدت را نیز فراهم آورد.

در این راستا، هدف اصلی تحقیق حاضر، شناسایی، تحلیل و ارزیابی راهبردهای ایران در مقابله با جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا است. این پژوهش تلاش نموده تا ابعاد مختلف جنگ هیبریدی از جمله ابعاد اقتصادی، نظامی، رسانه‌ای، دیپلماتیک و اجتماعی را مورد بررسی قرار دهد و نقش هریک از این ابعاد را در طراحی و اجرای راهبردهای مقابله‌ای ایران تحلیل کند. بررسی اینکه ایران چگونه توانسته است با این تهدیدات پیچیده مقابله کند، می‌تواند بینش‌های عمیق‌تری در اختیار سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران قرار دهد و به‌ویژه در سیاست‌گذاری‌های آینده کمک کند. ایران در مقابله با جنگ هیبریدی، نیازمند استراتژی‌های خاص و یکپارچه است که علاوه بر دفاع از منافع ملی، در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز به‌طور مؤثری عمل کند. از سوی دیگر، این تحقیق ضرورت‌های ویژه‌ای در شرایط کنونی دارد. در دنیای امروز که جنگ‌های هیبریدی به سرعت در حال گسترش هستند و بسیاری از کشورها از جمله ایران تحت فشار این نوع جنگ‌ها قرار دارند، توسعه راهبردهای مقابله‌ای و شناخت دقیق این تهدیدات از اهمیت بالایی برخوردار است. تحلیل دقیق این تهدیدات و

شناسایی راهبردهای مؤثر برای مقابله با آنها می‌تواند به بهبود امنیت ملی، تقویت جبهه داخلی و افزایش اقتدار ایران در برابر تهدیدات خارجی کمک کند. دغدغه اصلی این پژوهش که باعث شکل‌گیری آن گردید، پاسخ به این پرسش بوده است که راهبردهای ایران در برابر جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا چه می‌باشد؟ فرضیه پژوهش این است که ایران در مقابله با جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا، راهبردهایی ترکیبی و هم‌افزا اتخاذ کرده است که بر پایه یکپارچگی و تعامل میان ابعاد مختلف سیاست داخلی و خارجی بنا شده است. این رویکرد ترکیبی توانسته است از تهدیدات جنگ هیبریدی کاسته و توانایی ایران را برای مقابله با فشارهای بین‌المللی نیز افزایش دهد.

۲. چارچوب نظری: قدرت هوشمند

سابقه مطرح شدن قدرت هوشمند به سال ۲۰۰۴ میلادی بازمی‌گردد، که سوزان ناسل^۱ مطرح کرد (محمیدیان و عابدی، ۱۳۹۶، ص ۲۵). وی مفهوم قدرت هوشمند را به معنای ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدات، به کار برد و معتقد بود که منابع اجباری و اقناعی شامل توانایی‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک باید در یک جهت هماهنگ شوند تا برآیند آن، تداوم برتری کشور را تضمین کند (صالح‌نژاد، ۱۳۹۸، ص ۱۶). بعدها جوزف نای^۲، دانشمند علوم سیاسی و دستیار سابق وزیر دفاع دولت کلینتون، قدرت هوشمند را به‌عنوان دیدگاهی در روابط بین‌الملل تعریف کرد که می‌تواند قدرت سخت و نرم را با یکدیگر ترکیب کرده و برآیند آن دو را به صورت یک راهبرد پیروزی‌آور درآورد. «از زمانی که نای برای اولین بار واژه قدرت نرم را در سال ۱۹۹۰م. ابداع کرد، خود وی، مفاهیم قدرت سخت و نرم و سپس در سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم قدرت هوشمند را در پاسخ به انتقادات و تغییرات جهانی، اصلاح و گسترش داد» (Harley, 2021, p. 28). نظریه قدرت هوشمند نای، ماهیتی استراتژیک دارد. وی قدرت هوشمند را به‌عنوان مجموعه‌ای از استراتژی‌های هوشمند تعریف می‌کند که ابزارهای قدرت سخت (استفاده از اجبار و پرداخت) و قدرت نرم (به دست آوردن نتایج مطلوب از طریق جذب) را ترکیب می‌کند (Nye, 2009, p. 162).

۳. روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در این روش، ابتدا ابعاد مختلف موضوع، به‌ویژه جنگ هیبریدی و چگونگی تأثیرگذاری آن بر امنیت ملی ایران، توصیف می‌شود. سپس با

1. Sozan Nossel

2. Joseph Nye

تحلیل دقیق این ابعاد، راهبردهای مقابله‌ای ایران مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. این رویکرد تحلیلی به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که داده‌ها را نه تنها از منظر توصیفی، بلکه به صورت تحلیلی بررسی کرده و روابط علت و معلولی میان متغیرهای مختلف را شفاف‌سازی کند. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات، از روش‌های کتابخانه‌ای و فیش‌برداری به همراه پرسش‌نامه ساختاریافته استفاده شده است. استفاده از منابع کتابخانه‌ای، شامل کتاب‌ها، مقالات علمی و گزارش‌های بین‌المللی، امکان دسترسی به اطلاعات مستند و معتبر در خصوص جنگ‌های هیبریدی و راهبردهای مقابله‌ای ایران را فراهم نموده است. همچنین، پرسش‌نامه ساختاریافته نیز به عنوان ابزاری مؤثر برای جمع‌آوری داده‌ها از افراد متخصص و تحلیل‌گران در این زمینه، به کار گرفته شده است. این ابزار به ویژه در جمع‌آوری نظرات کارشناسان و مقایسه دیدگاه‌ها در تحلیل‌های استراتژیک، از اهمیت بالایی برخوردار است. این پژوهش، از روش تحلیل محتوای کیفی و کمی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها بهره برده است. تحلیل کیفی به پژوهشگر این امکان را داد که مفاهیم و الگوهای موجود در منابع کتابخانه‌ای و داده‌های پرسش‌نامه‌ها را شناسایی کرده و تحلیل‌هایی عمیق و معنادار از راهبردهای ایران استخراج کند. در عین حال، تحلیل کمی به کمک ابزارهای آماری، به پژوهشگر اجازه داده تا روندها و روابط موجود در داده‌ها را به طور مشخص‌تر و عددی‌تر ارزیابی کند. ترکیب این دو روش تجزیه و تحلیل، باعث شد که پژوهش به طور جامع‌تر ابعاد مختلف جنگ هیبریدی و پاسخ‌های ایران به آن را بررسی کند.

۴. ماهیت و اهداف جنگ هیبریدی

ژنرال والری گراسیموف^۱، رئیس ستاد کل ارتش فدراسیون روسیه در فوریه ۲۰۱۳، جنگ هیبریدی را «استفاده گسترده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، بشردوستانه و سایر ابزارهای غیرنظامی که با بی‌نظمی مدنی در میان مردم محلی و نیروهای مسلح پنهان شده است» تعریف می‌کند (Galeotti, 2014, p. 12). ناتو نیز جنگ هیبریدی را اینگونه تعریف می‌کند: «جنگی که جنگ کم است، استراتژی هدفمند فریب است که استفاده از زور را با اطلاعات نادرست و بی‌ثباتی ترکیب می‌کند تا ابهامی در ذهن رهبران درباره بهترین واکنش‌ها ایجاد کند» (Lindley, 2015, p. 4). از ویژگی‌های اساسی جنگ هیبریدی می‌توان به اقدامات متعارف و غیرمتعارف؛ نظامی و غیرنظامی؛ آشکار و پنهان با هدف ایجاد ابهام و سردرگمی در مورد ماهیت، منشأ و هدف تهدید؛ توانایی شناسایی و بهره‌برداری از آسیب‌پذیری‌های اهداف؛ ظرفیت نگاه داشتن سطح خصومت زیر «سطح آستانه» جنگ متعارف، اشاره نمود (Andersson & Thierry, 2015, p. 2).

در جنگ هیبریدی، فضاهای کالبدی سنتی مانند زمین، دریا، هوا و فضا به طور فزاینده‌ای با فضاهای اجتماعی و ساخته‌شده مانند فضاهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، زیرساختی و سایبری همراه می‌شوند. دستیابی به اهداف سیاسی و استراتژیک، دیگر صرفاً به ابزارهای نظامی مرسوم سنتی محدود نمی‌شود؛ زیرا فضاهای شناختی و روانی به یکی از جنبه‌های مهم جنگ تبدیل شده‌اند. در عین حال، تلاقی ابزارهای سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، بشردوستانه و سایر ابزارهای غیرنظامی که می‌توانند به اثرات راهبردی مطلوب منجر گردند، باعث کاهش ضرورت استقرار قدرت نظامی سخت نیز می‌شوند (Berzins, 2014, p. 6). از اهداف بازیگری که از جنگ هیبریدی استفاده می‌کند می‌توان به ایجاد غافل‌گیری، به دست گرفتن ابتکار عمل، ایجاد فریب و ابهام، اجتناب از انتساب عمل یا حداکثر انکار مسئولیت برای اقدامات تهاجمی، برهم زدن وضعیت هدف، تشویق به بی‌ثباتی اقتصادی، سرخوردگی و نارضایتی جمعیت، انشعاب اقلیت‌ها یا جمعیت آسیب‌دیده، ایجاد شرایط تشویق‌کننده مهاجرت کنترل‌شده و کنترل‌نشده، سرکوب مقاومت مدنی و اختلال در زیرساخت‌های حیاتی اشاره کرده است (Utinková, 2021, p. 8).

در جنگ هیبریدی، فضای اصلی نبرد در ذهن است و در نتیجه، جنگ‌های نسل جدید تحت سلطه جنگ اطلاعاتی و روانی قرار می‌گیرد. هدف اصلی این است که، ضرورت استقرار قدرت نظامی سخت را به حداقل ممکن رسانده و نیروی نظامی را به حداقل برساند. در این صورت، جمعیت غیرنظامی، از مهاجم به ضرر دولت و کشور خود حمایت می‌کنند (Berzins, 2014, p. 24). از این رو، یکی از اهداف مهم جنگ هیبریدی «کنترل انعکاسی»^۱ یا «مدیریت ادراک»^۲ است (Wither, 2016, p. 82). در واقع هدف اصلی، از بین رفتن ارتش و یا از بین رفتن توانایی‌های نظامی کشور حریف جهت تسلیم نیست؛ بلکه هدف اصلی، ادراک تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران کلیدی و فضای شناختی جمعیت‌های کلیدی (داخلی، بین‌المللی و یا در منطقه عملیاتی) می‌باشد.

۵. راهبرد هوشمندانه جنگ هیبریدی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

یکی از نقاط گرهی محیط عملیاتی ایالات متحده آمریکا در مرکز نبرد پنهان قدرت، میان این کشور و قدرت‌های بزرگ جهان، جهت تحکیم نظم نوین جهانی، جمهوری اسلامی ایران است. ایران به مثابه یک گره کور، در منطقه خاورمیانه و عمق استراتژیک آمریکا جهت پیروزی در خاورمیانه و استقرار نظم نوین جهانی است. ایران برای آمریکا، متناقض‌نما و پارادوکسیکال است. لذا نمی‌توان

1. Reflexive control

2. Perception management

با کاربرد قدرت سخت، آن را از پای در آورد. عدم نفوذ قدرت نرم آمریکا در لایه‌های سخت پذیرش ایرانیان نیز ناشی از دو عامل است؛ «بیگانه ستیزی» و «غرب ناباوری». تشدید این دو عامل، به واسطه وقوع انقلاب اسلامی و بازتعریف آن در برابر حمایت آمریکا از رژیم پهلوی و انواع تحرکات منفی آمریکا در تقابل با این انقلاب در طول عمر انقلاب اسلامی، قابل تشخیص است. این دو راهکار، موجب شده که آمریکایی‌ها نه تنها در برابر ایران، بلکه در صحنه جهانی به دلیل مخدوش شدن چهره ارزشی خود، بر آن شوند که قدرت هوشمندانه علیه ایران را در دستور کار قرار دهند و با ترکیب دو قدرت سخت و نرم و به کارگیری هوشمندانه ابزارهای جدید، به میدان عمل آیند (مطهرنیا، ۱۳۸۸، ص ۲). ایالات متحده آمریکا در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران از رویکرد جنگ هیبریدی که خود برخاسته از قدرت هوشمند می‌باشد، بهره‌برداری کرده است؛ تا از طریق اعمال فشار در حوزه‌های مختلف، تغییر رفتار یا تضعیف توانمندی‌های ایران را به دست آورد. جنگ هیبریدی آمریکا، شامل مجموعه‌ای از ابزارهای اقتصادی، دیپلماتیک، سایبری، رسانه‌ای و نظامی است؛ که به طور هماهنگ برای ایجاد اختلال در نظام ایران و کاهش توانایی‌های داخلی و خارجی این کشور طراحی شده است.

یکی از ابعاد مهم این راهبرد، تحریم‌های اقتصادی گسترده‌ای است که ایالات متحده بر ایران اعمال کرده است. این تحریم‌ها که در طول دهه‌های اخیر به شدت تشدید شده‌اند، شامل محدودیت‌هایی بر صادرات نفت، مسدودسازی دارایی‌های خارجی ایران و قطع دسترسی به سیستم‌های مالی جهانی، همچون سوئیفت بوده است. هدف این تحریم‌ها، نه تنها فشار بر دولت ایران، بلکه ایجاد نارضایتی عمومی و تحریک اعتراضات داخلی است. این سیاست به طور خاص با هدف تضعیف زیرساخت‌های اقتصادی، کاهش درآمدهای دولتی و در نتیجه، کاهش توانایی ایران در پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای و نظامی طراحی شده است (Rubin, 2018, p. 74). از سوی دیگر، جنگ اطلاعاتی و سایبری نیز به یکی از ابزارهای کلیدی ایالات متحده در جنگ هیبریدی علیه ایران تبدیل شده است. حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی ایران، از جمله تأسیسات هسته‌ای و سیستم‌های مالی، به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نمونه بارز این حملات، ویروس استاکس‌نت^۱ بود که به برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران آسیب رساند. علاوه بر این، ایالات متحده با استفاده از رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال، تلاش نموده است تا روایت‌های موردنظر خود را در سطح جهانی و داخلی ایران گسترش دهد و به تضعیف مشروعیت حکومت در میان مردم ایران بپردازد (Clarke & Knake, 2019, p. 88).

در بُعد دیپلماتیک، آمریکا با تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، سعی در انزوای سیاسی ایران دارد. این رویکرد با استفاده از دیپلماسی اجبار، به دنبال تحمیل خواسته‌های خود بر ایران و کاهش نفوذ منطقه‌ای آن است (حسینی و کلانتری، ۱۴۰۲، ص ۷۵). این سیاست همچنین شامل تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ایران، استفاده از نفوذ در سازمان‌های بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل و تقویت فشارهای سیاسی بر متحدان ایران در منطقه بوده است. هدف این اقدامات، کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و جلوگیری از گسترش همکاری‌های ایران با سایر کشورها، به‌ویژه در حوزه‌های نظامی و اقتصادی بوده است (Bjola & Manor, 2022, p. 52). حمایت از نیروهای نیابتی و مخالفان داخلی نیز، یکی دیگر از ابزارهای جنگ هیبریدی بوده است. ایالات متحده با ارائه کمک‌های مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی به گروه‌های مخالف نظام ایران، سعی در ایجاد بی‌ثباتی داخلی داشته است. این اقدامات، شامل تقویت گروه‌های معارض در مناطق مرزی، حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و تحریک اعتراضات اجتماعی در داخل ایران بوده است. چنین اقداماتی با هدف فرسایش توان دولت ایران برای مدیریت بحران‌ها و حفظ امنیت داخلی انجام شده است (Jones, 2021, p. 67).

در مجموع، می‌توان گفت ایالات متحده با استفاده از ترکیبی از ابزارهای سخت، نیمه‌سخت و نرم، جنگی هیبریدی را علیه ایران به‌کار گرفته، که همه این ابزارها نیز با دقت و به‌طور همزمان برای ایجاد فشارهای مستمر بر بخش‌های اقتصادی، نظامی و اجتماعی ایران طراحی شده‌اند. اگرچه ایالات متحده در کوتاه‌مدت به دنبال براندازی فوری جمهوری اسلامی نیست و سیاست‌های خود را به‌صورت تدریجی و هوشمندانه پیش می‌برد؛ اما هدف نهایی این کشور، براندازی نظام جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با حکومتی هم‌سو با منافع غرب و نظام بین‌المللی تک‌قطبی تحت رهبری آمریکا می‌باشد. هدف نهایی ایالات متحده این است که جمهوری اسلامی به‌عنوان یکی از موانع اصلی در مسیر تحقق نظم جهانی تک‌قطبی به رهبری آمریکا، از صحنه بین‌المللی حذف شود و جای خود را به نظامی هم‌سو با منافع آمریکا و متحدانش بدهد. می‌توان گفت، استراتژی ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، به‌نوعی بر «فرسایش تدریجی» بنا شده است. به‌جای یک فروپاشی سریع، آمریکا در پی آن است که ساختارهای قدرت جمهوری اسلامی ایران در طول زمان تضعیف شده و به یک نقطه بازگشت‌ناپذیر برسند، جایی که فروپاشی، دیگر از منظر خارجی نیازمند مداخله مستقیم نباشد و درون کشور رخ دهد.

۶. راهبرد ایران در مواجهه با جنگ هیبریدی آمریکا (تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای)

دولت‌های مختلف آمریکا در تعریف کلی از جمهوری اسلامی ایران و اصول مقابله با این

کشور، دارای اشتراک نظر هستند؛ اما در رویکردها و نوع مقابله و شدت آن و نیز نسبت تهدیدهای ناشی از ایران با دیگر تهدیدها، با هم تفاوت‌هایی دارند. لذا، فهم درست این تفاوت‌ها برای طراحی اقدام متقابل از سوی مسئولان جمهوری اسلامی ایران ضروری است. لزوم مقابله جمهوری اسلامی ایران با استراتژی‌های جنگ هیبریدی آمریکا، از آن جهت ضروری است که این نوع جنگ، به‌طور خاص و پیچیده‌ای از ابزارهای مختلف برای تضعیف قدرت و ثبات داخلی و خارجی یک کشور استفاده می‌کند. جنگ هیبریدی برخلاف جنگ‌های سنتی، فقط به درگیری‌های نظامی محدود نمی‌شود؛ بلکه به ترکیبی از فشارهای اقتصادی، تهدیدات سایبری، عملیات اطلاعاتی و جنگ رسانه‌ای متکی است که به‌راحتی قابل شناسایی یا پاسخ‌گویی نیستند. ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی در عرصه بین‌المللی، به‌ویژه در چند دهه گذشته، از این استراتژی برای مهار و محدود کردن نفوذ ایران در منطقه و جهان استفاده کرده است. مقابله با جنگ هیبریدی برای جمهوری اسلامی ایران به این دلیل حیاتی است که این نوع جنگ می‌تواند باعث تضعیف ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور شود. از سوی دیگر، قدرت ایران در منطقه که ناشی از توانمندی‌های نظامی و دیپلماتیک است، برای ایالات متحده تهدیدی محسوب می‌شود که باید آن را در قالب استراتژی‌های غیرمستقیم و پیچیده تحت کنترل درآورد. به‌ویژه در سال‌های اخیر، با افزایش فشارهای اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی و عملیات‌های سایبری علیه زیرساخت‌های ایران، لزوم مقابله فعال با این تهدیدات بیش از پیش احساس می‌شود. عدم توجه به این تهدیدات، می‌تواند باعث تقویت دشمنان داخلی و خارجی، کاهش انسجام ملی و حتی تهدید جدی‌تر امنیت کشور شود. بنابراین، مقابله با جنگ هیبریدی نه تنها به‌عنوان یک ضرورت دفاعی، بلکه به‌عنوان یک ضرورت راهبردی برای حفظ استقلال، امنیت و جایگاه منطقه‌ای ایران به‌شمار می‌آید.

۶-۱. تشکیل سپر «دفاع هیبریدی» در برابر «جنگ ترکیبی»

تشکیل سپر «دفاع هیبریدی»، یکی از مهم‌ترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات جنگ هیبریدی است. در این چارچوب، ایران به‌منظور تقویت توانمندی‌های دفاعی خود در برابر تهدیدات غیرمستقیم، از ابزارهایی متنوع شامل دیپلماسی، قدرت نظامی، سایبری و رسانه‌ای استفاده می‌کند. این کشور با آگاهی از پیچیدگی‌های این نوع جنگ، به‌دنبال تشکیل یک «سپر دفاعی هیبریدی» برای مقابله با تهدیدات مختلف در حوزه‌های مختلف است. لذا، با ایجاد ساختارهای نظامی و دفاعی ویژه، تلاش نموده است تا به‌طور همزمان در ابعاد نظامی و غیرنظامی با تهدیدات مقابله کند. نیروهای مسلح ایران با استفاده از تاکتیک‌های جنگ نامتقارن، توانایی‌های خود را در حوزه‌های نظامی گسترش داده‌اند، تا قادر به پاسخ‌گویی به تهدیدات متنوع باشند. به‌ویژه در برابر

تهدیدات ایالات متحده، که به‌طور گسترده از نیروهای نیابتی و سایر ابزارهای غیرنظامی استفاده می‌کند، ایران با تقویت توان دفاعی خود در زمینه‌های مختلف مانند موشک‌های بالستیک و دفاع هوایی تلاش نموده است تا بازدارندگی قوی ایجاد کند. این استراتژی، علاوه بر پاسخ به تهدیدات نظامی، نقش کلیدی در جلوگیری از وقوع جنگ‌های گسترده‌تری ایفا می‌کند. در بُعد اقتصادی، ایران تلاش نموده تا از آسیب‌های ناشی از تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی ایالات متحده جلوگیری کند. با وجود تحریم‌های فلج‌کننده، ایران توانسته است راه‌های جایگزینی برای ادامه تبادلات اقتصادی پیدا کند. این اقدامات شامل تقویت روابط اقتصادی با کشورهای دیگر، به‌ویژه چین و روسیه و توسعه سیستم‌های مالی، مستقل از بانک‌های غربی است (O'Neil, 2022, p. 67). این استراتژی‌ها به ایران کمک نموده تا با تهدیدات اقتصادی ناشی از جنگ هیبریدی آمریکا مقابله کند و از آسیب‌پذیری‌های خود در برابر تحریم‌های اقتصادی بکاهد. دفاع هیبریدی ایران به‌عنوان یک استراتژی جامع، نه تنها بر مقابله با تهدیدات نظامی و سایبری متمرکز است؛ بلکه در تلاش است تا ابعاد مختلف جنگ هیبریدی، از جمله جنگ رسانه‌ای و جنگ اقتصادی را نیز دربرگیرد. ایران با بهره‌گیری از دیپلماسی هوشمند و استراتژی‌های منطقه‌ای، سعی در کاهش اثرات این تهدیدات بر انسجام داخلی و قدرت بازدارندگی خود دارد. به این ترتیب، تشکیل سپر «دفاع هیبریدی» به‌عنوان یک راهبرد جامع و چندوجهی، ایران را قادر می‌سازد تا در برابر تهدیدات پیچیده جنگ هیبریدی ایالات متحده، مقاوم‌تر عمل کند.

۲-۶. بهره‌گیری از دیپلماسی هوشمند

دیپلماسی از ابزارهای خودیاری است که در طول تاریخ، واحدها و کشورها بر آن تکیه زده‌اند؛ اگرچه همیشه تحت محدودیت‌های شدیدی شکل گرفته است (قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۱۰). با توجه به دامنه وسیع متغیرهای اثرگذار بر روابط کشورها و همچنین خارج شدن دیپلماسی از حالت سنتی خود، لازم است جمهوری اسلامی ایران مجموعه‌ای از ابزارهای قدرت سخت و نرم را در قالب «دیپلماسی هوشمند»، در عرصه سیاست خارجی خود به‌کار گرفته تا مبتنی بر شرایط خاص هر کشور یا منطقه، بهترین راهبردها و تاکتیک‌ها در دستور کار نهادهای مربوطه قرار گیرد. برای تحقق دیپلماسی هوشمند، قدرت سخت در گونه‌های متمرکز، گسترده، توزیعی و جمعی شناسایی می‌شود و به‌طور همزمان با بهره‌گیری از شناسایی الگوی ارتباطی قدرت نرم، مورد استفاده قرار می‌گیرد که نمونه‌های مختلف آن را می‌توان در الگوی سیاست خارجی ایران در بسیاری از کشورهای منطقه از جمله عراق، یمن و لبنان مشاهده کرد. چنانکه در این کشورها، ایران به موازات بهره‌گیری از ابزارهای قدرت نرم، به تقویت بنیان‌ها و ساختارهای نظامی خود در آنها پرداخته است؛ تا بتواند به موازات یکدیگر، سیاست‌ها و منافع خود را در رقابت با سایر رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، از جمله

ایالات متحده آمریکا پیش ببرد (مددی، ۱۳۹۶، ص ۳۵-۳۹). ارائه چهره معقول و منطقی از جمهوری اسلامی ایران نیز در برخورد با سایر بازیگران و تأکید و دیپلماسی و مذاکره در حل و فصل اختلافات بین‌المللی و اصرار بر عملی شدن توافقات صورت‌گرفته قبلی، به‌ویژه برجام و تأکید بر اصول و قواعد پذیرفته‌شده بین‌المللی از مرزهای ملی تا عدم مداخله در امور داخلی کشورها، مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی در جهان نیز می‌تواند در خنثی‌سازی راهبردی ایالات متحده در برابر جمهوری اسلامی ایران مؤثر باشد (خداوردی و غفاری چراتی، ۱۳۹۹، ص ۳۶-۳۷).

۶-۳. ارتقاء توانمندی‌ها در حوزه آفند و پدافند سایبری

یکی از ارکان اساسی دفاع هیبریدی ایران، تقویت توان سایبری و اطلاعاتی این کشور است. «ایران در سال‌های اخیر به‌طور قابل توجهی در زمینه‌های جنگ سایبری و اطلاعاتی توانمندی‌های خود را گسترش داده است. ازجمله این اقدامات می‌توان به توسعه سیستم‌های دفاعی سایبری جهت حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی، مقابله با حملات سایبری و جلوگیری از نفوذ اطلاعاتی اشاره کرد (Johnson & Williams, 2022, p. 123). این اقدامات، به‌ویژه در برابر تهدیدات سایبری آمریکا که معمولاً به‌عنوان بخشی از جنگ هیبریدی به‌کار گرفته می‌شود، به‌عنوان یک ابزار دفاعی محوری در نظر گرفته می‌شود. افزون‌بر این، جمهوری اسلامی ایران با تقویت شبکه‌های اطلاعاتی داخلی و ایجاد زیرساخت‌های مقاوم در برابر حملات اطلاعاتی خارجی، سعی در کاهش آسیب‌پذیری‌های خود در برابر جنگ نرم دارد. امروزه با توجه به گسترش استفاده از رایانه‌ها و فضای سایبری و به‌تبع آن افزایش چشمگیر خطرات موجود در این فضا، نیاز مبرمی به کسب دانش در این محیط‌ها وجود دارد. نسل جدید شبکه‌های سایبری به الگوریتم‌ها و روش‌های جدیدی نیاز دارند و باید از مواردی نظیر آگاهی وضعیتی، ارزیابی حملات و واکنش خودکار و پویا به تهاجمات (مانند پیکربندی مجدد، ترمیم و بازسازی) پشتیبانی نمایند. تمامی موارد ذکرشده، تداوم عملکرد در سامانه‌هایی که مأموریت حیاتی دارند را فراهم می‌کنند. با مدل‌سازی حملات سایبری، تحلیلگران این حوزه با دانستن انواع مختلف حملات و فنون به‌کار رفته، به ارزیابی اثرات هرکدام از حملات پرداخته و خود را برای دفاع پیش‌کنش‌گرانه آماده می‌کنند. دفاع پیش‌کنش‌گرانه تحلیل‌گران امنیت، شبکه را قادر خواهد ساخت تا با اولویت‌بندی حملات به‌جای صرفاً واکنش‌های منفعلانه، اقدامات کنش‌گرانه‌ای را در قبال اقدامات آتی یک حمله سایبری به اجرا درآورند (شوشیان و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۶۱).

۶-۴. راهبرد موازنه سه‌بعدی سیاسی، اقتصادی و امنیتی در تحولات منطقه‌ای

جمهوری اسلامی ایران باید با توجه به الگوی جدید مداخلاتی آمریکا در خاورمیانه، راهبردهای

سیاسی و اقتصادی و امنیتی خود را سامان دهد. این مهم، مستلزم مدیریت دگرگونی هنجاری، به صورت پویا، منعطف و شبکه‌ای، چهره‌سازی و ایجاد مقبولیت، اعتمادسازی و قابل پیش‌بینی بودن، حساسیت‌زدایی و اقناع بازیگران اصلی منطقه‌ای و بین‌المللی، ایفای نقش نمونه‌ساز و شکل‌دهنده منطقه‌ای و تقویت دستگاه دیپلماسی حرفه‌ای است (واعظی، ۱۳۸۸، ص ۷۲۶). از مهم‌ترین رویکردهای سلبی و ایجابی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جنگ هیبریدی آمریکا می‌توان به: مقابله با منزوی‌سازی و محدودسازی ایران از طریق افزایش تعامل و مشارکت فعال در کلیه سازوکارها و سازمان‌های منطقه‌ای با استفاده از دیپلماسی دو و چندجانبه؛ نهادسازی منطقه‌ای از طریق ایجاد سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای جدید از طریق تعامل و تأثیرگذاری بر سیاست خارجی سایر بازیگران منطقه، با به کارگیری دیپلماسی فعال دو و چندجانبه؛ ممانعت از امنیتی شدن جمهوری اسلامی ایران از طریق اعتمادسازی و شفافیت در سیاست خارجی با به کارگیری دیپلماسی فعال و چندجانبه در سازمان‌ها و سازوکارهای منطقه‌ای؛ ارتقای مشروعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران از طریق هنجارسازی و افزایش قدرت چانه زنی ایران در سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه؛ پیشگیری از منازعات و بحران‌های منطقه‌ای از طریق نظارت بر تحولات منطقه با استفاده از موقعیت حضور در سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای؛ اعتمادسازی جمعی از طریق ایجاد و افزایش اعتماد و اقبال کشورهای منطقه به سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای از طریق تعامل و هماهنگی با به کارگیری دیپلماسی شفاف و واقع‌گرایانه؛ و تعامل گسترده و عضویت در کلیه سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای از طریق اعتمادسازی و تعامل سازنده با کشورهای منطقه اشاره نمود (اکرمی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۵۶-۵۷).

۵-۶. از بین بردن محیط رشد تفرقه‌افکنی در جامعه

یکی از راهبردهای اساسی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با جنگ هیبریدی آمریکا، تلاش برای از بین بردن محیط رشد تفرقه‌افکنی در جامعه است. جنگ هیبریدی، علاوه بر ابزارهای نظامی و سایبری، به‌طور گسترده از تاکتیک‌های جنگ نرم برای ایجاد شکاف‌های اجتماعی، مذهبی، قومی و سیاسی بهره می‌برد. ایالات متحده از طریق رسانه‌های بین‌المللی، شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای اطلاعاتی، تلاش نموده تا تضادهای اجتماعی موجود در داخل ایران را تشدید کند و حس بی‌اعتمادی و نارضایتی را در میان گروه‌های مختلف گسترش دهد. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران با تقویت انسجام اجتماعی و ایجاد فضای گفت‌وگو میان گروه‌های مختلف، همواره سعی در کاهش تنش‌ها و جلوگیری از گسترش شکاف‌های داخلی داشته است. این تلاش‌ها شامل ترویج فرهنگ وحدت، تقویت نهادهای اجتماعی و فرهنگی و ایجاد بستری مناسب برای مشارکت عمومی در

تصمیم‌گیری‌های کلان بوده که می‌تواند اعتماد عمومی به حکومت را افزایش دهد. ایران همچنین از ابزارهای رسانه‌ای و آموزشی برای مقابله با پروپاگانداى خارجی و شایعاتی که به‌منظور تخریب همبستگی اجتماعی تولید می‌شوند، استفاده می‌کند. این کشور با راه‌اندازی برنامه‌های رسانه‌ای مبتنی بر ترویج وحدت ملی و تقویت هویت ایرانی-اسلامی، تلاش نموده است تا اثرات جنگ روانی دشمن را خنثی سازد (Johnson & Williams, 2022, p. 89). علاوه بر این، ایجاد آگاهی عمومی از اهداف دشمن در قالب برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، می‌تواند مقاومت جامعه را در برابر تفرقه‌افکنی افزایش دهد. مقابله با نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، که بستری مناسب برای رشد شکاف‌های داخلی فراهم می‌کند نیز یکی دیگر از اولویت‌های کلیدی ایران در این زمینه است. این استراتژی‌ها، اگرچه چالش‌برانگیز و پیچیده هستند، نقش مهمی در کاهش آسیب‌پذیری‌های داخلی و تقویت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در برابر جنگ هیبریدی ایفا می‌کنند.

۶-۶. ایجاد ساختار فرماندهی دفاع شبکه‌ای در برابر جنگ شبکه‌ای

ایجاد ساختار فرماندهی دفاع شبکه‌ای، یکی از مهم‌ترین اقدامات جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات پیچیده و چندلایه جنگ شبکه‌ای است. جنگ شبکه‌ای به‌عنوان بخشی از جنگ هیبریدی، از قابلیت‌های پیشرفته سایبری و اطلاعاتی بهره می‌گیرد؛ تا زیرساخت‌های حیاتی، انسجام اجتماعی و توانمندی‌های دفاعی یک کشور را هدف قرار دهد. جمهوری اسلامی باید با شناخت دقیق تهدیدات پیچیده و چندلایه جنگ شبکه‌ای، یک ساختار مرکزی و هماهنگ ایجاد کند که بتواند به‌صورت منسجم حملات شبکه‌ای را شناسایی، مدیریت و دفع کند و عملیات دفاعی را به شکل مؤثر هماهنگ سازد. این ساختار نه تنها برای پاسخ‌گویی سریع به حملات، مفید خواهد بود؛ بلکه با پیش‌بینی تهدیدات و توسعه سامانه‌های پیشگیرانه، نقش بازدارنده نیز ایفا می‌نماید. آموزش نیروی انسانی متخصص و به‌کارگیری کارشناسان خبره در این حوزه، کارآمدی این سیستم را به‌طور قابل‌توجهی افزایش داده و آن را به ابزاری کارآمد برای دفاع در برابر تهدیدات شبکه‌ای تبدیل کرده است. چنین ساختاری، علاوه بر حفظ امنیت داخلی، به‌عنوان یک ابزار بازدارنده، نقش مهمی در کاهش آسیب‌پذیری‌های کشور در برابر استراتژی‌های جنگ هیبریدی آمریکا ایفا می‌کند.

۶-۷. رصد و بهره‌گیری از تحولات فناورانه روزآمد

رصد و بهره‌گیری از تحولات فناورانه روزآمد، یکی از راهبردهای کلیدی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با جنگ هیبریدی آمریکا است؛ چراکه جنگ هیبریدی به‌شدت به فناوری‌های نوین متکی است و از ابزارهای پیشرفته‌ای مانند هوش مصنوعی، تحلیل کلان‌داده‌ها، پهپادها و حملات سایبری

برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کند. ایران با شناسایی این واقعیت، تلاش کرده است تا از طریق تقویت ظرفیت‌های بومی در حوزه فناوری و ایجاد مراکز تخصصی تحقیق و توسعه، نه تنها به مقابله با این تهدیدات بپردازد؛ بلکه در برخی حوزه‌ها پیشتاز باشد. استفاده از فناوری‌های پیشرفته در سیستم‌های دفاعی، امنیت سایبری و شناسایی تهدیدات نوظهور، به ایران امکان داده تا پاسخ‌هایی سریع، دقیق، و مؤثر به حملات هیبریدی ارائه دهد. همچنین، با بهره‌گیری از تحولات روز در حوزه ارتباطات و رسانه‌های دیجیتال، ایران توانسته است حضور مؤثری در فضای اطلاعاتی داشته باشد و از آن به‌عنوان ابزاری برای تقابل با جنگ نرم و جنگ روانی بهره‌برد. این رویکرد فناورانه، علاوه بر ارتقای توان بازدارندگی، موجب کاهش آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی و تقویت انسجام ملی در برابر فشارهای چندجانبه شده است.

۶-۸. بهره‌گیری از راهبرد «انکار» و «مجازات»

تهدیدات ترکیبی برای پیچیده‌تر کردن و تضعیف استراتژی بازدارندگی متعارف، با اجتناب از اقداماتی که آشکارا آستانه‌ها یا خطوط قرمز کشور مورد تهاجم را نقض می‌کنند، طراحی شده‌اند. با این حال، اصول اولیه بازدارندگی در برابر بازیگران ترکیبی تغییر نمی‌کند. دو راه اصلی برای بازدارندگی وجود دارد: «انکار» و «مجازات». هریک از اینها، به کمک دفاعی نیاز دارد. بازدارندگی از طریق انکار، هم جنبه دفاعی و هم تهاجمی دارد. جنبه دفاعی آن مبتنی بر انعطاف‌پذیری است. جنبه تهاجمی آن، تا حدودی با مجازات به‌عنوان توانایی تحمیل هزینه از طریق دشوارتر کردن مانور یا حمله، هم‌پوشانی دارد. بنابراین، دفاع باید توانایی تعقیب عملیات انکار قوی، مانند دفاع هوایی، دفاع ساحلی دریایی، دفاع موشکی و طرح نیرو، از جمله در حوزه‌های جدید فضا و فضای سایبری را حفظ کند. راهبرد بازدارندگی در برابر تهدیدات ترکیبی از طریق مجازات، قبل از هرچیزی باید یک تلاش جمعی باشد؛ که عمدتاً بر ابزارهای غیرنظامی برای تهدید آسیب‌پذیری‌ها در سیستم خود متجاوز تکیه داشته باشد. سهم نیروهای دفاعی، عمدتاً بر قابلیت‌های سنتی متکی خواهد بود؛ که به اندازه کافی مدرن‌سازی شده تا بتواند قابلیت‌های حیاتی هر بازیگر بالقوه متخاصم را در معرض خطر نگه دارد. اما ماهیت تدریجی تهدیدات ترکیبی، مستلزم پاسخ‌های قاطع و اولیه برای مجازات است. بنابراین، استراتژی دفاعی باید طیف وسیعی از گزینه‌های غیر از جنگ را برای مجازات متخاصم دربرگیرد. این موارد مستلزم تطبیق با موقعیت و آسیب‌پذیری‌های متجاوز نیز می‌باشد (Monaghan, 2019, p. 91). در بیشتر موارد، دفاع، پاسخ‌گوی اصلی تهدیدات ترکیبی نخواهد بود؛ اگرچه اغلب به طور ضمنی به‌عنوان اولین پاسخ به آن تکیه می‌شود. بنابراین، دفاع باید به ارائه گزینه‌های دفاعی و تهاجمی متعارف، به‌عنوان بخشی از واکنش کل دولت برای مقابله با تهدیدات ترکیبی ادامه دهد.

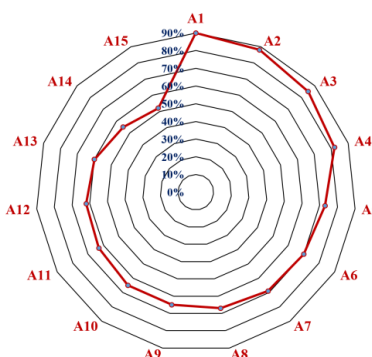
۷. راهبرد ایران در مواجهه با جنگ هیبریدی آمریکا (نتایج حاصل از پرسش‌نامه)

در پژوهش حاضر، استفاده از پرسش‌نامه به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم جمع‌آوری داده‌ها، نقشی کلیدی در تکمیل و تقویت تحلیل‌های حاصل از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای ایفا کرده است. بررسی مطالعات اسنادی به شناسایی ۱۵ کلیدواژه یا راهبرد اساسی ایران در مقابله با جنگ هیبریدی آمریکا، کمک شایانی نمود؛ که ۸ مورد آن مورد بررسی دقیق نیز قرار گرفته است. برای تأیید و بررسی دقیق‌تر این مؤلفه‌ها، نیاز به گردآوری دیدگاه‌های کارشناسان و متخصصان برجسته در حوزه‌های مرتبط، احساس شد. بهره‌گیری از پرسش‌نامه، امکان جمع‌آوری داده‌های معتبر و مستند را از جامعه‌ای کوچک، اما تخصصی فراهم کرد و به پژوهش، ابعاد عینی‌تر و کاربردی‌تر بخشید. این رویکرد، تلفیقی از تحلیل‌های نظری و عملیاتی را ممکن ساخت و به شناسایی نقاط قوت و ضعف راهبردهای اتخاذ شده توسط جمهوری اسلامی ایران نیز کمک نمود. پرسش‌نامه طراحی شده در این پژوهش، به‌گونه‌ای تدوین شده که تمامی ابعاد شناسایی شده در مطالعات اسنادی را به‌طور کامل پوشش دهد. این ابزار تحقیقاتی با در نظر گرفتن ۱۵ مؤلفه کلیدی، شامل مواردی همچون توسعه توان بازدارندگی نظامی، تقویت انسجام ملی، بهره‌گیری از دیپلماسی هوشمند و افزایش توان سایبری طراحی گردید. هدف اصلی، ارزیابی میزان بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از هریک از این راهبردها بود. جامعه آماری شامل ۲۰ نفر از کارشناسان، تحلیل‌گران و تصمیم‌گیران حوزه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی بوده که دارای تجربه مستقیم در حوزه جنگ‌های هیبریدی و چالش‌های مرتبط با آن هستند. این گروه با توجه به دانش تخصصی و سوابق حرفه‌ای‌شان انتخاب شدند و نظرات آنها به‌عنوان داده‌های کلیدی این پژوهش، تحلیل گردید.

جدول ۱- اعتقاد جامعه آماری در خصوص راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در برابر جنگ هیبریدی آمریکا

ردیف	راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در برابر جنگ هیبریدی آمریکا	میزان بهره‌برداری (درصد)	نشانه (کد)
۱	توسعه توان بازدارندگی نظامی و امنیتی	۹۰٪	A1
۲	ایجاد ساختار فرماندهی دفاع شبکه‌ای برای مقابله با جنگ شبکه‌ای	۸۸٪	A2
۳	تقویت توانمندی‌های سایبری در حوزه آفند و پدافند	۸۵٪	A3
۴	رصد و بهره‌گیری از تحولات فناوریانه روزآمد	۸۲٪	A4
۵	استفاده از راهبردهای «انکار» و «مجازات» در مقابله با دشمن	۷۳٪	A5
۶	بهره‌گیری از ظرفیت کارشناسان خبره در تدوین راهبردها	۷۰٪	A6
۷	استفاده از راهبرد موازنه سه‌بعدی در سیاست‌های منطقه‌ای	۶۹٪	A7
۸	توسعه همکاری بین‌المللی و منطقه‌ای برای مقابله با تهدیدات مشترک	۶۷٪	A8
۹	ترویج فرهنگ ایستادگی و مقاومت در سطح جامعه	۶۵٪	A9

ردیف	راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در برابر جنگ هیبریدی آمریکا	میزان بهره‌برداری (درصد)	نشانه (کد)
۱۰	تشکیل سپر دفاع هیبریدی در برابر جنگ ترکیبی	۶۵٪	A10
۱۱	تقویت انسجام ملی و از بین بردن محیط رشد تفرقه‌افکنی در جامعه	۶۳٪	A11
۱۲	طراحی سناریوها و تنوع‌بخشی به راهبردهای مقابله‌ای	۶۲٪	A12
۱۳	بهره‌گیری از دیپلماسی هوشمند برای کاهش تنش‌های بین‌المللی	۶۰٪	A13
۱۴	مدیریت ابزارهای رسانه‌ای و فضای مجازی برای مقابله با جنگ روانی	۵۵٪	A14
۱۵	تقویت اقتصاد مقاومتی برای کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی	۵۲٪	A15



نمودار ۱ - توزیع فراوانی مضامین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در برابر جنگ هیبریدی آمریکا

نتایج به‌دست آمده از تحلیل داده‌های پرسش‌نامه، تصویر روشنی از میزان بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از راهبردهای مورد بررسی ارائه می‌دهد. داده‌ها نشان می‌دهند که برخی مؤلفه‌ها، به‌طور ویژه‌ای توسط جمهوری اسلامی ایران مورد توجه و بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. به‌عنوان مثال، «توسعه توان بازدارندگی نظامی و امنیتی» با میانگین ۹۰ درصد، بیشترین میزان بهره‌گیری را در میان مؤلفه‌های مورد بررسی به خود اختصاص داده است. این یافته، نشان‌دهنده تمرکز ایران بر افزایش توان دفاعی و ایجاد زیرساخت‌های نظامی قوی است؛ که می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برابر تهدیدات هیبریدی عمل کند. در کنار آن، «ایجاد ساختار فرماندهی دفاع شبکه‌ای برای مقابله با جنگ شبکه‌ای» با میانگین ۸۸ درصد و «تقویت توانمندی‌های سایبری در حوزه آفند و پدافند» با میانگین ۸۵ درصد، از دیگر راهبردهای پراهمیت در سیاست‌های دفاعی کشور در برابر جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا بوده‌اند. این نتایج حاکی از آن است که جمهوری اسلامی ایران، در مواجهه با جنگ هیبریدی، به‌خوبی توانسته است از فرصت‌های موجود در حوزه‌های فناوری و سایبری بهره‌برداری کند. به‌ویژه در حوزه‌های مرتبط با جنگ شبکه‌ای و سایبری، سرمایه‌گذاری گسترده و رویکرد فعال ایران، موجب شده است که این کشور به توانمندی‌هایی دست یابد که می‌تواند

تهدیدات را به حداقل برساند و موقعیت خود را در برابر حملات، تقویت کند. از سوی دیگر، «رصد و بهره‌گیری از تحولات فناورانه روزآمد» نیز با میانگین ۸۲ درصد بهره‌گیری، بیانگر این است که جمهوری اسلامی ایران توانسته است با پایش مستمر تحولات جهانی، از جدیدترین فناوری‌ها در راستای اهداف راهبردی خود استفاده کند. با وجود این، برخی از مؤلفه‌ها نشان‌دهنده چالش‌ها و نیاز به تقویت بیشتر هستند. به‌عنوان نمونه، «تقویت اقتصاد مقاومتی برای کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی» با میانگین ۵۲ درصد، کمترین میزان بهره‌گیری را در میان مؤلفه‌ها دارد. این نتیجه بیانگر این است که، اگرچه اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک اصل اساسی در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است؛ اما در عمل، چالش‌های متعددی در اجرای آن وجود داشته و نیازمند برنامه‌ریزی دقیق‌تر و منابع بیشتری است. همچنین «افزایش توانایی‌های رسانه‌ای و مدیریت فضای مجازی برای مقابله با جنگ روانی» نیز با میانگین ۵۵ درصد، نشان‌دهنده این است که ایران همچنان نیازمند تقویت زیرساخت‌ها و بهبود استراتژی‌های خود در حوزه رسانه و مدیریت فضای مجازی است.

۸. نتیجه‌گیری

جنگ هیبریدی به‌عنوان پدیده‌ای پیچیده و چندبُعدی، بازتابی از تغییرات گسترده در ماهیت تقابل‌های سیاسی و امنیتی در عصر نوین است. این جنگ سال‌های اخیر به یکی از اصلی‌ترین ابزارهای تقابل میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. در این چارچوب، ایالات متحده با ترکیب ابزارهای نظامی و غیرنظامی، متعارف و غیرمتعارف، تلاش داشته است اهداف استراتژیک خود را علیه جمهوری اسلامی ایران پیش ببرد. این تقابل نه تنها بر ساختارهای حاکمیتی ایران متمرکز بوده است؛ بلکه با هدف تأثیرگذاری بر بافت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور نیز طراحی شده است. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک بازیگر مستقل و مقاوم در برابر نظم تحمیلی غرب، خود را در موقعیتی دیده است که باید با تهدیدات متنوع و درهم‌تنیده هیبریدی مقابله کند. این شرایط، ایران را به اتخاذ رویکردهای چندبُعدی و نوآورانه واداشته تا علاوه بر حفظ ثبات داخلی، از جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود دفاع کند. بنابراین، بررسی ابعاد و پیامدهای این جنگ، و تحلیل راه‌کارهای مقابله‌ای، امری ضروری برای درک پویایی‌های این تقابل و ارائه راهبردهای مؤثر بوده است. از این‌رو، پژوهش حاضر به دنبال آن بود تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به موازات استفاده از ابزار پرسش‌نامه در جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات، به این پرسش پاسخ دهد که راهبردهای ایران در برابر جنگ هیبریدی آمریکا کدامند؟

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده از مطالعات اسنادی و پرسش‌نامه، حاکی از آن

است که جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جنگ هیبریدی، مجموعه‌ای از راهبردهای چندبُعدی را اتخاذ کرده است که هریک از آنها با توجه به اهمیت و شرایط خاص، سهم متفاوتی در سیاست‌های کلی کشور ایفا می‌کنند. تحلیل داده‌های حاصل از مطالعات اسنادی و نتایج پرسش‌نامه‌ها، نشان می‌دهد که تمرکز اصلی بر روی مؤلفه‌هایی بوده است که به‌طور مستقیم توان بازدارندگی و دفاعی کشور را تقویت می‌کنند. توسعه توان بازدارندگی نظامی و امنیتی، ایجاد ساختار فرماندهی دفاع شبکه‌ای و تقویت توانمندی‌های سایبری در حوزه‌های آفند و پدافند، از جمله مؤلفه‌هایی بودند که بالاترین میزان بهره‌گیری را نشان داده‌اند. این نتایج به‌وضوح بیانگر آن است که جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدیدات هیبریدی، رویکردی مبتنی بر افزایش قابلیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در حوزه‌های نظامی و سایبری اتخاذ کرده است؛ به‌طوری که بتواند تهدیدات متنوع و چندلایه را به‌طور مؤثر مدیریت کند.

در کنار این موفقیت‌ها، پژوهش همچنین بر نقاط ضعف و حوزه‌هایی که نیازمند توجه بیشتری هستند، تأکید دارد. مؤلفه‌هایی مانند تقویت اقتصاد مقاومتی و مدیریت فضای مجازی برای مقابله با جنگ روانی، به‌رغم اهمیت بالای آنها در مقابله با جنگ هیبریدی، میزان بهره‌گیری کمتری داشته‌اند. این امر می‌تواند به چالش‌های موجود در اجرای سیاست‌ها، محدودیت‌های منابع یا عدم هماهنگی کافی در سطح ملی نسبت داده شود. در شرایطی که دشمنان از ابزارهای اقتصادی و روانی به‌طور گسترده بهره‌برداری می‌کنند، ضعف در این حوزه‌ها می‌تواند به‌عنوان یک تهدید جدی عمل کند و توان کلی کشور را در مقابله با جنگ هیبریدی، تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، بازنگری در سیاست‌ها، ایجاد هماهنگی بین‌بخشی و تخصیص منابع کافی می‌تواند گام‌های مؤثری برای بهبود این حوزه‌ها باشد. در مجموع، یافته‌های پژوهش تأکید می‌کنند که جنگ هیبریدی، نیازمند رویکردی جامع و چندلایه است که همزمان تمامی ابعاد نظامی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را دربرگیرد. جمهوری اسلامی ایران در برخی حوزه‌ها عملکرد قابل تحسینی داشته و توانسته است تهدیدات متنوع را به‌خوبی مدیریت کند. با این حال، موفقیت پایدار در مقابله با جنگ هیبریدی مستلزم تقویت بیشتر نقاط ضعف، ارتقای توانایی‌های نرم‌افزاری و رسانه‌ای و بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی هوشمند برای کاهش تنش‌های بین‌المللی است. این راهبرد چندبُعدی، علاوه بر تقویت قدرت بازدارندگی، می‌تواند به حفظ و ارتقای انسجام ملی جمهوری اسلامی ایران کمک کرده و توان کشور را برای مقابله با تهدیدات پیچیده هیبریدی در آینده افزایش دهد.

منابع

- اکرمی‌نیا، محمد (۱۳۹۲). راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴. *مطالعات راهبردی*، ۱۶(۲)، ص ۳۳-۶۰.
- حسینی، سید حسین؛ کلانتری، فتح‌الله (۱۴۰۲). عوامل و روش‌های جنگ ترکیبی شبکه‌ای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات راهبردی آمریکا*، ۳(۱۱)، ص ۶۳-۹۲.
- خداوردی، حسن؛ غفاری چراتی، علی اصغر (۱۳۹۹). تجزیه و تحلیل رفتار ترامپ در قبال ایران از منظر تحلیل لایه‌ای علت. *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۳(۵۱)، ص ۹-۴۵.
- شوشیان، کیانوش؛ جبار، علی؛ میرقدری، عبدالرسول (۱۳۹۹). مدل‌سازی احتمالاتی حملات سایبری چندمرحله‌ای مبهم. *پدافند الکترونیکی و سایبری*، ۸(۲)، ص ۶۱-۷۳.
- صالح‌نژاد، حسن (۱۳۹۸). *مفهوم قدرت هوشمند و نقش آن در سیاست جدید*. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گروه مطالعات بنیادین حکومتی، ص ۱-۳۸.
- قاسمی، مصطفی (۱۳۸۷). راهبرد اوپاما در قبال جمهوری اسلامی ایران. *دین و سیاست*، شماره ۱۷-۱۸، ص ۱۲۳-۱۴۹.
- محمدیان، علی؛ عابدی، هانی (۱۳۹۶). تحلیلی بر ارتقاء جایگاه ایران در خاورمیانه با تأکید بر قدرت هوشمند. *علوم سیاسی*، ۱۳(۴۰)، ص ۲۳-۴۸.
- مددی، جواد (۱۳۹۶). ایران، نفوذ و اقتدار منطقه‌ای، کدام دیپلماسی؟ *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، شماره ۶۹، ص ۳۳-۶۴.
- مطهرنیا، مهدی (۱۳۸۸). مفهومی به نام قدرت هوشیارانه. *ویستا نیوز*. قابل دسترس در: <https://vista.ir/m/a/421a2>
- واعظی، محمود (۱۳۸۸). رویکردهای سیاسی امنیتی آمریکا در خاورمیانه. *سیاست خارجی*، شماره ۹۰، ص ۷۰۴-۷۲۸.
- Andersson, J.J. & Thierry, T. (2015). *Hybrid: what's in a name?* European Union Institute for Security Studies. URL= https://www.iss.europa.eu/sites/default/files/EUISSFiles/Brief_32_Hybrid_warfare.pdf
- Berzins, J. (2014). *Russia's New Generation Warfare in Ukraine: Implications for Latvian Defense Policy*. National Defense Academy of Latvia, Center for Security and Strategic Research, no. 2. URL= <https://sldinfo.com/wp-content/uploads/2014/05/New-Generation-Warfare.pdf>
- Bjola, C. & Manor, I. (2022). The rise of hybrid diplomacy: from digital adaptation to digital adoption. *International Affairs*, 98(2), p. 471-491.
- Clarke, R.A. & Knake, R.K. (2019). *The Fifth Domain: Defending Our Country, Our Companies, and Ourselves in the Age of Cyber Threats*. New York: Penguin Press.
- Galeotti, M. (2014). The 'Gerasimov Doctrine' and Russian Non-Linear War. *Connection the Quarterly Journal*. URL= <https://connections-qj.org/article/gerasimov-doctrine-and-russian-non-linear-war>
- Harley, S. (2021). *Hard Power, Soft Power and Smart Power: Civilian-Military Challenges in*

- Counterterrorism First Edition*. Ankara: Centre of Excellence Defence Against Terrorism (COE-DAT).
- Johnson, D.R. & Williams, P.J. (2022). Cyber defense strategies in hybrid warfare: Iran's approach. *International Security Review*, 24(3), p. 115-134.
- Jones, S.G. (2021). *Three Dangerous Men: Russia, China, Iran, and the Rise of Irregular Warfare*. New York: W. W. Norton & Company.
- Lindley, J. (2015). *NATO: Countering Strategic Maskirovka*. Calgary: Canadian Defence and Foreign Affairs Institute. URL= <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/natosource/nato-countering-strategic-maskirovka/>
- Monaghan, S. (2019). Countering Hybrid Warfare: So, what for the Future Joint Force? National Defense University, The Planning tool for Resource Integration. *Synchronization and Management (PRISM)*, 8(2), p. 82-99.
- Nye, J.S. (2009). Smart Power. *New Perspectives Quarterly*, 26(2), p. 7-9.
<https://doi.org/10.1111/j.1540-5842.2009.01057.x>.
- O'Neil, J. (2022). *Economic resilience in the face of hybrid warfare: The case of Iran*. Cambridge University Press, Cambridge.
- Rubin, L. (2018). *The End of Strategic Stability? Nuclear Weapons and the Challenge of Regional Rivalries*. Washington, D.C.: Georgetown University Press.
- Utinková, H. (2021). *Cyber-attacks Against Iran as Instruments of Hybrid Warfare*. Charles University, Faculty of Social Sciences, Institute of Political Studies Department of Security Studies. Master's thesis.
- Wither, J.K. (2016). Making Sense of Hybrid Warfare. *Quarterly Journal of Connections*, 15(2), p. 73-87.